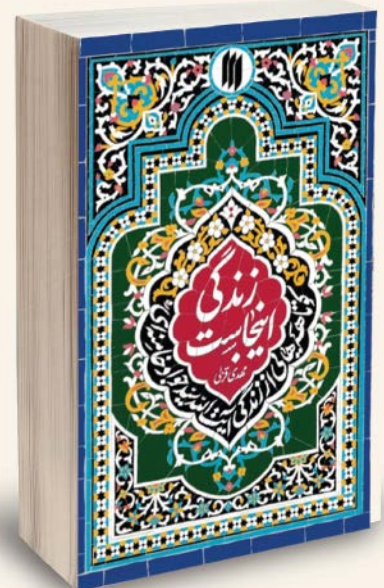




حجاب معاصرت و مجاورت، کم چیزی نیست. در زمانه ما انسان‌های بزرگی هستند که به علت هم‌عصر بودن و نزدیکی با ما، آن‌طور که شایسته مقام‌شان است، دیده و شناخته نمی‌شوند. از دانشمند و شاعر بگیرد تا نقاش و عالم دینی، کسانی را در عصر خود داریم که انصافاً مایه فخر تمام اعصار هستند اما معاصرت و مجاورت باعث شده آنها را آن‌گونه که باید، نشناسیم. یکی از این انسان‌های بزرگ، آیت‌الله سید جواد خامنه‌ای است. عالم وارسته روزگار ما که در عین برخورداری از جنبه‌های مختلف علمی، معنوی و اجتماعی، همواره خودش را از پرتگاه دنیاطلبی و شهرت‌پرستی دور نگه داشت و عمر ۹۰ ساله‌اش را به نمونه‌ای شکوهمند از اخلاص، صفا و معنویت بدل کرد.

ایشان به سبب شخصیت بسیار متواضع و به دور از هیاهوی خود و سپس به دلیل آوازه و جایگاه بالای سیاسی و اجتماعی فرزندان خود که بعدها نماینده مجلس و رئیس‌جمهور شدند، نزد عموم مردم زیر سایه نام رسانه‌ای فرزندان قرار گرفت و چندان شناخته نشد اما نزد اهل علم و عرفان و معرفت از همان موقع شناخته شده و مبرز بود. این عالم ممتاز تبریزی که در نجف به دنیا آمده و پس از سه سال همراه خانواده خود به تبریز برمی‌گردد، دوران زندگی عجیب و پیچیده‌ای دارد. او دوران مشروطه را در تبریز درک می‌کند. در تبریز، نجف و مشهد درس می‌خواند و تغییر حکومت از قاجار به پهلوی و از پهلوی به جمهوری اسلامی را می‌بیند، آن هم در حالی که او و خاندانش همواره در دل این حوادث بزرگ نقش داشتند.

کتاب «زندگی اینجاست» پس از حدود ۴۰ سال از فوت آقا سید جواد متأسفانه اولین کتابی است که به صورت مشخص درباره این عالم وارسته به رشته تحریر درآمده و در آن تلاش شده از پس صدها ساعت مصاحبه با نزدیکان و جست‌وجو و خوانش کتاب‌های گوناگون، گوشه‌ها و قصه‌هایی واقعی از خط حیات پرچالش اما پر از آرامش این عالم پرهیزکار به روایت درآید. هرچند هرگز جامع و دربردارنده تمام ابعاد حیات و شخصیت ایشان نیست و کتابی کم حجم است اما می‌تواند تصاویر روشنی از زندگی و دلدادگی او و سیر و سلوکش در راه حضرت حق را نشان دهد. این کتاب توسط آقای مهدی قزلی نگاشته شده و توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است.



با قلم تینا محمدحسینی؛

از ایتالیا تا مازندران سفر کنید

رسید. با درمان و یافتن راهکارهای آن به انجمن‌های لوپوس سرزد تا از تجربه خود در این زمینه صحبت کند؛ تجربیاتی که مهم‌ترین عامل آن، مصرف مواد غذایی سالم بود اما پرسش اصلی این است که مواد غذایی سالم و ارگانیک را به چه صورت باید تهیه کرد؟ در شیراز فقط یک مغازه برای فروش مواد غذایی ارگانیک وجود داشت و این، کار را برای مبتلایان سخت می‌کرد. پس آیه سفر خود را برای یافتن منابع تهیه مواد غذایی شروع کرد.

تمرکز اصلی خود را روی نان گذاشت، زیرا نان قوت اصلی سفره ایرانیان است. با این‌که شیراز بهترین گندم را داشت اما نان خوبی نداشت به همین دلیل یک سال کامل به نان‌گردی و سفرهای استانی پرداخت. پس از آن در تابستان ۹۷ به مازندران سفر کرد و با نانی معطر و لذیذ روبه‌رو شد اما این نان نه با آرد سفید و نه با سیوس گندم می‌شد.

او اینترنت را در جست‌وجوی همین نان زیر و رو کرد که ناگهان به تیرتی با عنوان «مازندران کمر بند سرطان گوارش ایران» روبه‌رو شد. با تعجب فراوان به تحقیق پرداخت. او به مازندران سفر کرده بود، چون فکر می‌کرد با هوای خوب و طبیعت زیبای مازندران می‌تواند به بهبود بیماری خود کمک کند اما تمام محصولات غذایی مازندران به دلیل آلودگی به شیرابه‌های صنعتی، بیمارستانی، شیمیایی و ... نه تنها به سلامت کمک نمی‌کند بلکه دستگاه گوارشی انسان را در شرف نابودی قرار می‌دهد. آیه با تفکر در این موضوع دریافت که پیدا کردن مواد غذایی سالم و ارگانیک هدف اصلی نیست بلکه محصول سالم در گرو محیط زیستی سالم است و برای داشتن مواد غذایی سالم باید فکری به حال زباله‌ها و شیرابه آن کرد.

کمی بعد بحرانی دیگر سر از شکاف تاریخ در آورد. محصولات بهداشتی و سلولزی مورد تحریم قرار گرفت، کمپاب شدن پوشک بچه، دستمال کاغذی، گوش پاک‌کن و ... باعث شده بود قیمت آن سر به فلک بکشد.

پس از این اتفاق آیه گفت: «نباید تسلیم شوم». این اتفاق سال قبل هم برای رب گوجه فرنگی افتاد، سال قبل تر هم برای سیب زمینی، قبل تر از آن پیاز، قبل تر از آن نیز برای قند و شکر. جست‌وجوی خود را برای محصولی جایگزین آغاز کرد، با کمی تحقیق فهمید که می‌توان محصولات پارچه‌ای را جایگزین محصولات یک‌بار مصرف کرد.

با کمی جست‌وجوی بیشتر به کمپینی برخورد که «پسماند صفر» نام داشت. ایده اولیه این کمپین را یک خانم فرانسوی - آمریکایی در سال ۲۰۰۰ مطرح کرده بود که با جایگزینی محصولات پلاستیکی یک‌بار مصرف با محصولات پارچه‌ای، شیشه‌ای و ... می‌توان به تولید زباله صفر در زندگی دست پیدا کرد. این کمپین، فصلی نو در زندگی آیه حمداوی بود و روند زندگی محیط‌زیست‌محورانه او را دچار تغییر و تحول کرد.

شما می‌توانید ادامه زندگی نامه و تجربیات آیه حمداوی را در کتاب «ضد زباله» مطالعه کنید. تحقیق این کتاب توسط امین ماکبانی و سید حسین حسینی صورت گرفته و به قلم تینا محمدحسینی نوشته شده است. این اثر به همت ستاد پیشرفت جامع منطقه‌ای و بنیاد اتم تولید و نشر عصر پیشرفت آن را چاپ کرده است.



تینا محمدحسینی



ایده اولیه این

کمپین را یک

خانم فرانسوی -

آمریکایی در سال

۲۰۰۰ مطرح کرده

بود که با جایگزینی

محصولات

پلاستیکی یک‌بار

مصرف با محصولات

پارچه‌ای، شیشه‌ای

و ... می‌توان به

تولید زباله صفر

در زندگی دست

پیدا کرد



در پنج بهمن ۱۳۶۵ میان صدای توپ و تانک و موشک، دختری از دیار آبادان به دنیا آمد و «آیه حمداوی» نام گرفت. پدرش فارغ‌التحصیل رشته نیروی دریایی از ایتالیا و راننده هاورکرافت بود. به دلیل شغل ارتشی پدر، آیه سال‌های تحصیل خود را در جزیره خارک، بندر ماهشهر، بندر امام، اهواز، تهران و بندرعباس گذراند و تقریباً هر سال از شهری به شهر دیگر در سفر بود.

در ایام دبیرستان آیه در نمایشگاه با مفهوم بازیافت آشنا شد و با تحقیق درباره آن به‌طور جدی این کار را شروع کرد. در همان دوران کاغذهای باطله خود را جمع‌آوری و زیر تخت انبار می‌کرد، از همکلاسی‌هایش نیز کاغذ می‌گرفت و به ذخیره خود اضافه می‌کرد؛ با این‌که خانواده با این عمل مخالفت می‌کردند و می‌گفتند: «آشغال جمع کنی؟» آیه باز هم به این کار ادامه می‌داد.

پس از اتمام دبیرستان و اخذ مدرک دیپلم، آیه تصمیم گرفت مثل پدر به ایتالیا مهاجرت کند و در آن کشور ادامه تحصیل بدهد. به دلیل روابط حسنه بین ایران و ایتالیا سختگیری زیادی برای قبول درخواست نبود، فقط بلد بودن زبان ایتالیایی شرط لازم بود. آیه مثل سایر دانشجویهای ایرانی به قصد تحصیل در رشته کشاورزی و زیتون‌شناسی به این کشور رفت اما دست روزگار چیز دیگری رقم زد و او در شهر رم به تحصیل زیست‌شناسی پرداخت.

پس از چهار سال تحصیل به ایران برگشت و به دلیل علاقه زیاد به زبان ایتالیایی، رشته مترجمی را برای ادامه تحصیل در ایران انتخاب کرد. او در این سال‌ها ازدواج کرد و برای زندگی به شیراز مهاجرت کرد و مدیر یک آژانس گردشگری شد که در کنار آن به تدریس زبان ایتالیایی نیز می‌پرداخت.

همه چیز به‌خوبی و خوشی در حال اتفاق افتادن بود که ناگهان

متوجه شد به بیماری لوپوس مبتلاست. با این اتفاق برخلاف دیگران، روحیه خود را از دست نداد و با یوگا و ورزش و رژیم غذایی سالم به زندگی ادامه داد و پس از آشنایی با طب سنتی، با یک روند درمانی شش ماهه به سلامت جسمی

